

انگاره‌های عالمان مسیحی از ویژگی اجتماعی پیامبر اسلام(ص) از قرن هشتم تا چهاردهم میلادی

راضیه سیروسی^۱

علیمحمد ولوی^۲

چکیده: از آغازین سال‌های ظهور اسلام و گسترش آن در سرزمین‌های مسیحی نشین، موضع گیری متفاوتی نسبت به اسلام و به خصوص پیامبر(ص) شد و عمده این موضع، قالب مقابله داشت. حضرت محمد(ص) در آثار مسیحی چهروهای بیمارگونه، متمایل به سحر و جادو، حیله‌گر، شهوت‌ران، جنگ طلب و مقلد مسیحیت معرفی شده است. انگاره‌هایی که به صورت مستقیم در شکل گیری تصورات غربی از پیامبر اکرم(ص) تأثیر داشته است. این انگاره‌ها در دو گونه ویژگی فردی و اجتماعی پیامبر(ص) شناسایی شد. در مقاله حاضر، بی‌آنکه در پی بررسی علت ظهور تصاویر در ذهنیت عالمان غربی باشیم، کوشش شده است تا نسبت میان متغیرهایی چون محل نشو و نما، وابستگی سیاسی و رشتة تخصصی عالمان مسیحی، با انگاره‌های آنان از ویژگی اجتماعی پیامبر(ص) طی قرن هشتم تا چهاردهم میلادی مورد بررسی قرار گیرد. نگارندگان این پژوهش، در پی پاسخگویی بدین سؤال می‌باشند که چه رابطه معناداری میان متغیرهای فوق و انگاره عالمان مسیحی از ویژگی‌های اجتماعی پیامبر(ص) وجود دارد؟ نتایج نشان داد که عالمان مسیحی، با وجود تفاوت دوره زمانی، زادگاه و حرفه، انگاره واحدی از ویژگی‌های اجتماعی پیامبر اسلام داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: انگاره، عالمان مسیحی، پیامبر(ص)، ویژگی اجتماعی

Perceptions of Christian Scholars of the Social Features of the Prophet of Islam (PBUH) during 8th-14th Century AD

Raziye Sirosi¹
Ali Mohammad Valavi²

Abstract: From the beginning years of the emergence of Islam and spread of Islam in the Christian lands, the Church made various criticisms of Islam. The Prophet has been introduced in Christian books as a man with sickly face, inclined to magic, cunning, lucid. These are the ideas that directly influenced the formation of Western imagery of the Holy Prophet. These concepts were categorized in two aspects of individual and social features of the Prophet. Naturally, some variables such as location and posture, political affiliation, and specialty of the Christian scholars have affected their perceptions of the Prophet. In the present paper, the content analysis method has been used and it has been tried to identify the relationship between these two variables after the typology of the first Christian scholars until the 14th century AD and their perception of the social features of the Prophet.

Keywords: Perceptions, Christian scholars, Prophet (PBUH), social features.

1 PhD Of Islam History, University of Al-Zahra
2 Professor of Islam History, Al-Zahra University (Corresponding author)

sirousirazi@yahoo.com
a.valavi@alzahra.ac.ir

مقدمه

امروزه پیامبر اسلام(ص) به عنوان یکی از شخصیت‌های مهم و اساسی در غرب شناخته می‌شود. بسیاری از صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف شعر، نقاشی، فیلم، تئاتر و تألیف کتاب، زندگانی پیامبر(ص) را به عنوان یکی از موضوعات کاری خود انتخاب کرده‌اند، اما محتوای بسیاری از این آثار، از نوعی اظهارات اقتدار گرایانه حکایت می‌کند. به خصوص پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر فضایی در غرب ایجاد شد که دیگر نمی‌توان از مشکل برخورد مذهبی و تمدنی غفلت کرد (Cesari, 2013: 13). برای بسیاری از مردم و حتی اندیشمندان اروپایی، رویارویی تنها روشی است که پیامبر اسلام(ص) را می‌توان با آن توصیف کرد. البته در قرون اخیر، در بعضی از محافل دانشگاهی، چهره واقعی‌تری از پیامبر(ص) ارائه می‌شود، اما فرهنگ رسانه عمومی و سیل تبلیغات، گرایش جمعی غرب را به سمت و سوی مقابله با اسلام تقویت کرده است.

طبیعی است که انگاره‌های امروزین غرب از پیامبر(ص) به صورت دفعی به وجود نیامده‌اند. سده‌های است که غرب به عنایین مختلف و اهداف گوناگون، به تصویرپردازی از شخصیت پیامبر اسلام(ص) پرداخته است. نخستین هدفی که ذهنیت غرب را به این سمت سوق داد، دفاع از حقانیت دین مسیح بود. به هر حال، ظهور پیامبر اسلام(ص) مسیحیت را با چالش بزرگی رویه‌رو ساخت. به ویژه آنکه پذیرش الوهیت حضرت عیسی(ع) از سوی مسیحیت، فاصله‌آنها را با دین اسلام عمیق‌تر کرد. درواقع، پذیرش نبوت حضرت محمد(ص) بدین معنا بود که خداوند در تجسس زمینی خود نتوانسته بشریت را نجات دهد و لذا پیامبری از جنس دیگر اینای بشر برای هدایت انسان‌ها به زمین فرستاده است. پس از آن، جریان انگاره‌سازی از پیامبر(ص) به طور گسترده‌ای تداوم یافت و در لایه‌های زیرین، ویژگی زمانه را به نمایش گذاشت.

نخستین تصاویر مخابره شده از غرب در مطالعات محمدشناسی، تأثیر بسزایی داشته است؛ به طوری که انگارهٔ قرون وسطی‌ی که با تعصب مذهبی عجین شده بود، سده‌ها در ذهنیت غرب رسوب یافت و تغییر جدی در آن ایجاد نشد (ر. ک. سیروسی، ۱۳۹۸). در پژوهش حاضر، پس از شناسایی منابعی که از نخستین روزهای ظهور اسلام تا قرن چهاردهم میلادی به موضع‌گیری دربارهٔ حضرت محمد(ص) پرداخته‌اند، انگاره‌های

غربیان از ویژگی‌های اجتماعی پیامبر(ص) مورد بررسی قرار رفته است. نویسنده در پژوهشی جداگانه انگاره عالمان مسیحی از ویژگی‌های فردی پیامبر(ص) را مطالعه کرده است.^۱ منظور از ویژگی فردی، خصلت‌هایی است که در نسبت فرد با خود شکل می‌پذیرد؛ در حالی که ویژگی اجتماعی در نسبت با جوامع یا محافلی که با آنها در ارتباط است، صورت می‌گیرد.

گفتنی است مقاله حاضر صرفاً بررسی تاریخی بوده و انگیزه کلامی در آن دخالتی نداشته است. همچنین علل و عوامل انگاره‌سازی از پیامبر(ص) مد نظر نبوده، بلکه هدف از نگارش این مقاله علاوه بر معرفی انگاره‌های سوگیرانه غربی، آشکار ساختن مبانی و ریشه‌های ذهنیت امروزین غرب نسبت به پیامبر(ص) است و در عین حال به بررسی این نکته پرداخته شده است که چه نسبتی بین متغیرهایی چون پیشینه مذهبی، موقعیت اقلیمی و نشو و نمای عالم مسیحی و وابستگی سیاسی با این نوع انگاره‌سازی‌ها می‌توان یافت.

پیشینه تحقیق

تاکنون در چندین اثر به مطالعه چهره پیامبر(ص) در غرب قرون وسطی پرداخته شده است. «فریستو» و «بلانک» (Blank & Frassetto, 1999)، ضمن بررسی مواضع نویسنده‌گان اروپایی نسبت به اصل اسلام و اعتراف به تأثیر انکارناپذیر اسلام بر غرب، نیمنگاهی به مواضع این گروه از نویسنده‌گان نسبت به پیامبر اسلام(ص) داشته‌اند.

دی سزاره (Di Cesare, 2012) طیف گسترده‌ای از سفرنامه‌ها، وقایع‌نامه‌ها، داستان‌ها، اشعار، تاریخ عرب‌ها، جغرافیا و رساله‌های کلامی در ارتباط با پیامبر(ص) را شناسایی کرده است. وی در گردآوری منابع دقت فراوانی داشته، اما از ارائه تحلیل در مورد تصاویر ترسیم شده بازمانده است. در شناسایی منابع تحقیق مقاله حاضر، از این اثر بهره گرفته شده و چون دی سزاره اطلاعات را به صورت نقل قول مستقیم آورده، منابعی که دسترسی به آن ناممکن بود، به کتاب مذکور ارجاع داده شده است. «کلیتون بنت» در کتاب در جستجوی محمد به ارائه تصویر حضرت محمد(ص) در آثار غیرمسلمانان از آغاز پیدایش آن تا به امروز پرداخته است و در طرحی نوین، سعی کرده تا به تقابل این تصویر با آرای

۱ این مقاله در شماره ۴۰ فصلنامه «پژوهش‌های تاریخی اسلام و ایران» به چاپ رسیده است.

مسلمانان پردازد. نویسنده با نگاهی جامع به ارائه تصویری کلی از پیامبر پرداخته، اما به سبب استفاده از چند منبع تحقیقاتی و عدم رجوع به منابع اصلی، توانسته تصویری جامع از حضرت محمد(ص) ارائه دهد (Bennett, 1992). «سازن» در کتابی با عنوان دیدگاه غربیان از اسلام در قرون میانه، مروری کوتاه بر نگرش‌های قرون میانه غرب نسبت به اسلام با تمرکز بر مطالعات موردي داشته است. با توجه به اینکه سیره پیامبر(ص) از همان نخستین برخوردهای اسلام و غرب مورد توجه بوده، نویسنده برخی از انگاره‌های غرب نسبت به حضرت محمد(ص) را بیان کرده، اما در تفسیر چراًی تویید این انگاره‌ها در ابتدای قرون میانه، تنها بر جهالت و ناگاهی نویسنده‌گان تأکید کرده است (Southern, 1962). «دیوید توماس» در مقاله‌ای با عنوان «محمد در روابط مسیحی-مسلمان قرون میانه»، به مروری کوتاه بر تغییر نگرش غرب در مورد پیامبر اسلام پرداخته است. نویسنده عصاره تصویر ارائه شده از پیامبر(ص) در غرب مسیحی را ارائه کرده، اما استفاده از چند منبع محدود تحقیقی و ارائه گرینشی و مختصراً گونه، سبب شده است تا بسیاری از موارد مغفول واقع شود (Thomas, 2014). «نورمن دنیل» در کتاب اسلام و غرب، به بررسی ملاحظات سیاسی و مذهبی دیدگاه غرب از اسلام و تعامل مسیحیان و مسلمانان از قرون وسطی تا دوره مدرن پرداخته و به تناسب موضوع، برخی از انگاره‌های غرب نسبت به پیامبر(ص) را آورده است (Daniel, 2009). «جان تولان» در کتاب خود با عنوان دیدگاه مسیحیان قرون وسطی از اسلام، نشان داد که مسیحیان قرون وسطی، اسلام را مجموعه‌ای از چالش‌های ناخوشایند نشان داده و با توجه به منافع و تعصبات خود، فرهنگ اسلام را با شیوه‌های مختلف تصویر کرده‌اند (Tolan, 2013).

آثاری که در زمینه تصویر ارائه شده از پیامبر(ص) در غرب به زبان فارسی نگارش یافته‌اند، در عین ارزش و دقت فراوان، بر منابع محدود تمرکز داشته است. «مرتضی اسعدي» در کتاب مطالعات اسلامی در غرب، تنها سیر کلی مطالعات را مدنظر داشته و به ضرورت بحث، اطلاعاتی در مورد انگاره برخی از عالمان مسیحی ارائه داده است (اسعدی، ۱۳۸۱). مهم‌ترین اثری که به یک نوع تطور انگاره غربیان دست یافته، کتاب محمد(ص) در اروپا: هزار سال اسطوره‌سازی در غرب است، اما با وجود گستره موضوعی، مکانی و زمانی، بسیاری از منابع از دید نویسنده دور مانده است؛ بهویژه آنکه در بررسی

برخی از منابع، به ذکر آنها در پژوهش‌ها اکتفا شده است (صمیمی، ۱۳۸۲). همچنین به تازگی کتابی با عنوان خاتم عشق توسط «مجید پور طباطبایی» به نگارش درآمده، اما به دلیل آنکه نویسنده فقط به آثار دست دوم و تراجم رجوع کرده، بسیاری از منابع از دستور کار خارج شده است (پور طباطبایی، ۱۳۹۵). مجتبی مینوی در مقاله «اسلام از دریچه چشم مسیحیان» به بررسی دیدگاه چند نفر از علمای مسیحی درباره اسلام پرداخته است (مینوی، ۱۳۷۵). عنوان مقاله نشان دهنده بررسی کلیت مفهوم اسلام است، اما نویسنده بیشتر بر نظر مسیحیان در مورد پیامبر(ص) تأکید داشته است. دقت نظر نویسنده در بررسی آراء و نظریات مسیحیان و انتخاب هوشمندانه نویسنده‌گانی با دیدگاه متفاوت نسبت به پیامبر اسلام، از جمله نقاط قوت این مقاله می‌باشد. «مرتضی خلج اسعدی» نیز در مقاله‌ای با عنوان «یوحنای دمشقی و آغاز مجادله کلامی»، علت پیدایش مواضع کلامی مسیحیت نسبت به اسلام را مقابله قرآن با تثلیث دانست که به صورت بنیادی ترین اصل اعتقادی مسیحیان پیرو کلیسای روم درآمده بود (خلج اسعدی، ۱۳۷۵). بررسی پیشینه مذکور نشان می‌دهد که محققانی با هدف‌های مختلف مطالعاتی، به اولین انگاره‌های ارائه شده از پیامبر(ص) در اروپای مسیحی پرداخته‌اند، اما هدف پژوهش حاضر را پوشش نمی‌دهند؛ زیرا از ارائه یک تصویر جامع از پیامبر در سده‌های نخستین ظهور اسلام بازمانده‌اند. البته دی سزاره منابع کامل‌تری را مورد مطالعه قرار داده، اما تحلیلی درباره نوع تصویر ترسیم شده و سیر تطور آن ارائه نداده است.

مروری بر تطورات انگاره‌سازی عالمان مسیحی از ویژگی‌های اجتماعی پیامبر(ص) تا قرن چهاردهم میلادی

عالمان مسیحی در دو بعد ویژگی فردی و اجتماعی، اختلالاتی را به پیامبر(ص) نسبت داده‌اند که در این مقاله سعی شده است ویژگی‌های اجتماعی ترسیم شده در انگاره عالمان مسیحی که با جایگاه نبوت پیوستگی بیشتری داشت، بررسی شود. منظور از ویژگی اجتماعی، خصلت‌هایی در فرد است که در ارتباط با آحاد افراد اجتماع بروز می‌کند. نویسنده‌گان مسیحی علاوه بر انتساب شهوت بدون حد و حصر به پیامبر(ص) به عنوان خصلتی فردی، با قلب آیات و گزارش‌های تاریخی، پیامبر(ص) را متهم کردند که با تجویز

چند همسری و تحقیر زنان، حس شهوانی را در قوانین خود نیز به نمایش گذاشت، اما این پژوهشگران توصیه‌های بسیار مهم قرآن بر فطرت و سرشت یکسان زن و مرد (نساء، ۱)، به رسمیت شناختن حقوق اقتصادی و اجتماعی زنان و تأکید بر اولویت تک همسری (نساء، ۳) را به کلی در مطالعات خود نادیده گرفته‌اند. قائل شدن حق مالکیت برای زنان (نساء، ۳۲)، استقلال اقتصادی و اجبار مردان به پرداخت مهریه (نساء، ۴) و نفقة (طلاق، ۳۴) در آیات قرآن مشهود است.

برداشت ناصواب و غیر معمول از آیات قرآن مهم‌ترین گامی بود که مسیحیان از طریق آن، قانون پیامبر(ص) را شهوانی می‌دانستند. یوحنای دمشقی در عبارات و قیحانه‌ای، تمثیل زنان به کشتزار در آیه ۲۲۳ سوره بقره را ابزاری برای ارضای امیال شهوانی مردان برشمرده است (Daniel, 1972: 9). حال آنکه باید توجه داشت که هدف آیه مذکور، بیان مختصات فیزیولوژیکی زن است. علاوه بر آن، عبارت *(وَقَدِمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَأَنْقُوا اللَّهَ وَأَعْلَمُوا أَنْكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشَّرَ الْمُؤْمِنِينَ)* که در ادامه آیه آمده و در آن، سه نوبت بر حسابیت دنیوی و اخروی رفتار با زنان تأکید شده، محدود است. البته در تفاسیری که از این آیه شده، پیش فرستادن اعمال صالح و رعایت تقوای الهی، ناظر بر فرزندآوری دانسته شده است (طوسی، [ب] تا: ۲۲۴/۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۳/۲: ۲۱۳؛ القرطبي، ۹۳/۳: ۱۴۰۵)، اما با توجه به اینکه صدر آیه در مورد زنان بوده، احتمال بیشتری وجود دارد که این عبارات تأکیدی، درباره می‌توجھی به امور زنان آمده است. «رامون مارتی»^۱ این آیه را یک شاهد مثال برای توهین به مقام زن دانسته است (Martini, 57 in: Di Cesare, 2012: 286).

تجویز تعدد زوجات در اسلام، زمینه‌ساز اتهامات فراوانی به پیامبر(ص) شد؛ در حالی که می‌باشد توجه کرد که جریان چند همسری قبل از ظهور پیامبر اسلام در اجتماعات ابتدایی وجود داشته است و این امر به دلیل اشتغال مردان به جنگ و شکار بود که زندگی مرد بیشتر در معرض خطر بود. با توجه به اینکه مردان بیشتر از زنان تلف می‌شدند، فزونی تعداد زنان بر مردان سبب می‌شد تا تعدد زوجات رواج یابد (مطهری، ۱۳۶۹: ۲۹۰). عرب دورهٔ جاهلی هیچ محدودیتی در تعدد زوجات نداشت و هر فرد می‌توانست به تنها بی‌صدها زن داشته باشد (جوادعلی، ۱۹۷۶: ۵۴۷/۵). علاوه بر آن،

1 Raymond Martini

در قرآن تعدد زوجات مشروط به برقراری عدالت بوده و در کمال صراحة اشاره شده است که اگر بیم دارید عدالت برقرار نکنید، پس یک همسر اختیار کنید (مطهری، ۱۳۶۹: ۳۴۸). جرالد ولز^۱ تعدد زوجات در اسلام را دلیل تمایل شهوانی بر می‌شمرد (Giraldus, 1861: 70). الیور^۲ نیز مدعی بود که پیامبر(ص) برای جذب پیروانش اجازه داد تا چهار همسر قانونی اختیار کنند (Scholasticus, 1948: 28 in: Di Cesare, 2012: 217). متیو پاریس^۳ در عبارت وقیحانه‌ای چند همسری را راه حلی برای افزایش ملت ساراسن^۴ دانسته بود (Parisiensis, 1872: 3/355). هامبرت^۵ بدون هیچ استنادی مدعی شده بود که زنان در قانون پیامبر(ص) از کمترین حقوق نیز محروم بودند (Gratius, 1690: 188).

نویسنده‌گان مسیحی برای اثبات تأثیر پذیری پیامبر(ص) از یهود و مسیح، از راهبی یاد کرده‌اند که بر مبنای برخی روایات، در دوره کودکی پیامبر(ص) وی را ملاقات کرده و از نبوت آن حضرت خبر داده است. در روایات دو نام «بحیرا» و «سرجیوس» برای راهب نقل شده است. احتمالاً بحیرا لقب راهب (واژه‌ای آرامی به معنای منتخب و برگزیده) بوده و سرجیوس (سرجیس) نام داشته است (مسعودی، ۱۴۰۹: ۱/۸۹؛ حلبی شافعی، ۱۹۷۱: ۱/۱۷۲). تنها اطلاعی که می‌توان درباره راهب مذکور در منابع یافت، دیدار وی با حضرت محمد(ص) در سفر تجاری بوده است. علاوه بر آن، درباره دین بحیرا روایات مختلف است. در کهن‌ترین روایات بر نظرانی بودن وی تصریح شده است (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۱/۱۱۶؛ ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ۲/۳۷؛ حلبی شافعی، همان، ۱/۱۷۲)؛ در حالی که برخی دیگر وی را یهودی دانسته‌اند (الدمشقی، ۱۴۰۷: ۱/۴۲؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱/۴۷۵). همچنین در مورد سن پیامبر(ص) و چگونگی ملاقات آن حضرت با بحیرا اختلافاتی وجود دارد (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۱/۱۲۱؛ الطبری، ۱۹۶۷: ۲/۲۷۸)؛ بنابراین روایات مذکور از درجه اعتبار ساقط است و در دسته روایات ساختگی جای می‌گیرد.

یوحنای دمشقی از حضرت محمد(ص) با عنوان پیامبر دروغین یاد کرده که در نتیجه آشنایی با بحیرا راهب مرتد مسیحی، عهد قدیم و جدید را آموخت و براساس آن، دین

¹ Gerald of Wales

² Oliver of Paderborn

³ Matthew Paris

⁴ اصطلاحی است که مسیحیان برای تحقیر عرب‌ها به کار می‌برند (جمال رزمجو و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۳).

⁵ Humbert of Romans

خود را بنا کرد (73: 1972). «تئوفانس^۱ پیامبر(ص) را تاجری دانست که با سفر به مصر و فلسطین، توانست با یهودیان و مسیحیان ارتباط برقرار کرده و دین جدید خود را براساس تعالیم آنان پایه گذاری کند (35: 1982). Theophanes. او لوچیوس^۲ بر همراهی حضرت محمد(ص) با راهب مسیحی تأکید داشت (Eulogius, 1955: 366 in: Di 18: Cesare, 2012). «آناستاسیوس کتابدار» مدعی شده بود که پیامبر(ص) طی چندین سفر به فلسطین و مصر، با یهودیان و مسیحیان ارتباط برقرار کرد و توانست برخی از نسخه‌های کتاب مقدس را از آنان دریافت کند (Anastasius, 1885: 2/209). لاندولفوس^۳ بر این باور بود که حضرت محمد(ص) در سفرهای خود به مصر و فلسطین با مسیحیان ارتباط برقرار کرده بود و حتی نسخه‌ای از کتاب مقدس را به دست آورد (Sagax, 1913: 2/133). زیگبرت^۴ مدعی بود که پیامبر(ص) ارتباط گسترده‌ای با یهودیان و مسیحیان داشت و به کمک آنان توانست کتاب خود را بنویسد (Pertz, 1844: 323). ویلیام مالمسبوری^۵ بر آن بود که محمد(ص) برای وضع دین جدید از قوانین یهود و مسیح بهره گرفته است (Malmesbirensis, 173 in: Di Cesare, 2012: 81) می‌دانست که آموزه‌های دین خود را از مسیحیان دریافت کرد (Tyrensis, 106 in: ibid, 172). «پیتر ارجمند» گفته است محمد(ص) با کمک سرجیوس راهب مرتد، آموزه‌های دین اسلام را با تغییراتی در عهد عتیق و جدید بنیان کرد (Wibaldi, accedunt and others, 1854: 691). «ریچارد»، سرجیوس را راهب مرتدی معرفی کرد که به حضرت محمد(ص) آموزه‌های مسیح را تعلیم می‌داد و به همین دلیل از صومعه اخراج شد (Cluniacensis, 90 in: Di Cesare, 2012: 166). والتر بر واپستگی شدید حضرت محمد(ص) به راهب مرتد مسیحی و نقش او در وضع دین جدید تأکید می‌کرد (Blank, Frassetto, 1999: 109). «جرالد ولز» در ادعایی بدون پشتونه عنوان کرده است که محمد(ص) به مصر و فلسطین رفت و متون عهد عتیق و جدید را از یهود و مسیح فرا گرفت (Giraldus, 1861: 68). پطروس آلفونسی^۶ علاوه بر سرجیوس، از دو یهودی به نام‌های عییده و کعب الاحبار یاد

1 Theophanes

2 Eulogius of Cordoba

3 Landulf Sagax

4 Sigebert of Gembloux

5 William of malmesbury

6 William of tyre

7 Petrus Alfonsi

کرده که با پیامبر(ص) برای ساخت دین جدید، حماقت خود را پایان رساندند (Alfonsi, 2006: 152)، اما می‌بایست توجه داشت که کعب‌الاحبار در زمان عمر بن خطاب ایمان آورده و با مسلمین ارتباط برقرار کرد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۰۹/۷؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۸۷/۴). نویسنده کتاب زندگانی محمد بیان کرد که حضرت محمد(ص) در سفرهای تجاری به مصر و فلسطین، با یهود و مسیح ارتباط برقرار کرد (Vita Mahometi, 243 in: Di Cesare, 2012: 210). «آلن دو لیل»^۱ بر مشترکات و تضادهای قرآن با انجیل و تورات تأکید کرده و عنوان کرده است که محمد(ص) در اموری چون یکتایی خداوند با یهود مشترک بود، اما با تشییع و شراب مخالفت کرد (De Insulis, 331 in: ibid: 187). الیور مضامین قرآن را ترکیبی از قانون یهود و مسیح دانست که پیامبر(ص) آن را با شاگردی نزد سرجیوس راهب مرتد مسیحی فرا گرفت (Scholasticus, 298 in: ibid: 218). «رودریگو خیمنس ردا»^۲ به ارتباط وسیع پیامبر(ص) با یهودیان تأکید داشت و در ادعایی بسیار باقیه آمنه را یهودی دانست (Derada, 1999: 4/88). لوکاس^۳ پیامبر(ص) را ساحر زیرکی معرفی کرد که به مصر و فلسطین سفر می‌کرد و با یهودیان و مسیحیان ارتباط داشت (Tudensis, 2003: 166). «راجر ونداور»^۴ حضرت پیامبر(ص) را فردی تاجر پیشه می‌دانست که به مصر و فلسطین رفت و آمد می‌کرد و با یهودیان و مسیحیان ارتباط داشت (dewendover, coxe, 1842: 1/121). متیو پاریس بر تقلید قوانین پیامبر(ص) از عهد قدیم و جدید تأکید کرده است (Parisiensis, 1872: 1/269). رامون مارتی برای اثبات تأثیرپذیری پیامبر(ص) از مسیح، بر سفرهای متعدد آن حضرت به مصر، فلسطین و حبشه تأکید داشت. در تصوری ساختگی وی، نجاشی پادشاه حبشه نقشی ویژه داشت؛ زیرا گنجینه‌ای از تعالیم مسیح به شاگردانش را گرد آورده بود و بعدها نیز به کیش اسلام درآمد (Martini, 2/177 in: Di Cesare, 2012: 305). «توماس آکویناس»^۵ قانون حضرت محمد(ص) را مخلوطی از تعالیم عهد قدیم، جدید و اسطوره‌های کذب دانسته است (Aquinas, 1878: 7). وینسنت^۶ بیان کرد که راهب سرجیوس راهب مذکور- عهد قدیم و جدید را به محمد(ص) آموخت

۱ Alain de Lille

۲ Rodrigo Jiménez de Rada

۳ Lucas de Tuy

۴ roger de wendover

۵ Thomas Aquinas

۶ Vincent of Beauvais

داده و قرآن با تکیه بر همین آموزه‌ها نوشته شد (Bellovacensis, 1591: 338). بنديكت^۱ آخذ معلومات قرآنی از عهد عتیق و جدید را تکرار کرده و آن را به واسطه شاگردی نزد راهب سرجیوس دانست (Cerulli, 1949: 415). هامبرت با تأکید بر آموزه‌های مشترک یهود و اسلام نظری توصیه به نماز، روزه و صدقه یادآور شد که محمد(ص) مفاهیم مذکور را از تورات برداشته است (Gratius, 1960: 188). «ژاک دو ویتری» بر آن بود که سرجیوس راهب مرتد، استنادی از تعالیم یهود را در اختیار محمد(ص) گذاشته بود (De Vitriaco, 2008: 122). «ژاک دو واراجین»^۲ بیان کرد که پیامبر(ص) علاقه شدیدی به سرجیوس داشت و با کمک او شالوده یک دین جدید را پایه گذاری کرد (DeVoragine, 2012: 575). ویلیام اورنچ^۳ مدعی شد که پیامبر(ص) شاگرد راهب مرتد به نام سرجیوس بود و نمی‌خواست نام او را بر ملا کند (Alvernum, 49, in: Di Cesare, 2012: 252). «ویلیام» دومینیکن طرابلس نیز بر شاگردی پیامبر(ص) نزد راهب سرجیوس تأکید کرده است (William of Tripoli, 1992: 202).

تهمت فریب‌کاری گسترده‌گی فراوانی در منابع دارد که بارزترین نمود آن در انتساب معجزات ساختگی به حضرت محمد(ص) بروز یافته است. این دسته از نویسندها در ادعاهایی پوچ و واهمی، منکر معجزات و کرامات پیامبر اسلام(ص) شدند. بیشترین تأکید نویسندها بر زیر سؤال بردن نزول وحی به پیامبر(ص) بود و در قرون بعدی به کرات مورد توجه قرار گرفت. این گروه از نویسندها با پیش‌فرض ساختگی بودن وحی، بر این امر تأکید کرده‌اند که حضرت محمد(ص) با ادعای دروغین مردم را فریب داد. آنها با دیدگاهی جزم‌اندیشه و باورهای از پیش اتخاذ شده، با چنان قطعیتی از دروغین بودن نبوت پیامبر(ص) سخن گفته‌اند که گویی دیدگاه‌شان حقیقتی اثبات شده است و نیاز به بیئنه‌ای ندارد. یوحنای دمشقی بدون هیچ مستندی گفته است که موضوع نزول جبرئیل یک داستان دروغین است (Sahas, 1972: 71). نویسندها پس از وی، همچنان بر تصورات نسبجیده و مبالغه‌آمیز خود اصرار ورزیده‌اند. اولوجیوس در مدعایی صرف، پیامبر(ص) را متهم کرد که با الهام از شیطان، بسیاری از مردم را فریفت (Eulogius, 383).

¹ Benedictus de Alignano

² Jacobus De Voragine

³ William of Auvergne

آناستاسیوس پیامبر(ص) را فریب‌کاری دانست که در عالم خیال، منظره‌ای از جبرئیل در نظر آورد و آن را همان فرشته‌ای دانست که بر اینیای پیشین نازل شده بود (Anastasius, 1885: 2/209). زیگبرت بدون هیچ استنادی، سخن گفتن پیامبر(ص) با جبرئیل را امری تخیلی دانسته است (Pertz, 1844: 323). پطروس آلفونسی به تقليد از پیشینیان، سخن گفتن پیامبر(ص) با جبرئیل را معجزه‌ای ساختگی بر شمرده است (Alfonsi, 2006: 147). رودریگو در عبارتی وقیحانه، نزول جبرئیل بر حضرت محمد(ص) را ادعایی دانست که تنها افراد نادان آن را می‌پذیرند (Derada, 1999: 96).

ژاک دو واراجین نزول وحی را نوعی عوام‌فریبی برای پذیرش پیامبری بیان کرده است (DeVoragine, 2012: 575). نویسنده‌گانی نیز بودند که ماجراهی نزول وحی را در قالبی داستان‌وار و کاملاً تخیلی بیان کردند. وینسنت در داستانی موهم و تخیلی کودکانه مدعی شد که پیامبر(ص) کبوتری دست‌آموز داشت که بر روی شانه‌وی می‌نشست و چنین به مردم وانمود می‌کرد که آن پرنده از طرف خدا بر او وحی می‌فرستد (Bellovacensis, 1591: 314). والتر در عبارت مشابهی بیان کرد که حضرت محمد(ص) با ترفندهایی چون تربیت کبوتر دست‌آموز، مدعی پیامبری شد (Blank, Frassetto, 1999: 6).

برخی نویسنده‌گان با اذعان باور یهودیان به پیامبر موعود، در سخنانی بی‌اساس مدعی شدند که حضرت محمد(ص) با معرفی خود به عنوان مسیح به یهودیان، آنان را فریفت. این در حالی است که در عهد عتیق، بر نزول تورات در کوه سینا، نازل شدن انجیل در سعیر و نزول قرآن در کوه فاران اشاره شده است (عهد عتیق، تثنیه ۳-۳۳: ۱)؛ بهویژه آنکه با بیان اقامت حضرت اسماعیل(ع) در سرزمین فاران که در عهد عتیق به آن پرداخته شده بود (همان، تکوین ۲۰-۲۱: ۲۰)، شکی باقی نمی‌ماند که کوه فاران همان کوهی است که غار حرا در آن قرار داشته و قرآن در آنجا بر پیامبر(ص) نازل شده است. بنا بر همین استدلال بود که امام رضا(ع) در مناظره با رأس‌الجالوت یهودی، پیشگویی نبوت حضرت محمد(ص) را در تورات و انجیل ثابت کرد (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸: ۱/ ۱۶۵). لاندولفوس در ادعایی واهی بیان کرد که حضرت محمد(ص) عبرانیان را با معرفی خود به عنوان مسیح فریفت (Sagax, 1913: 2/133). مالمسبوری، پیامبر(ع) را انسان فریب‌کاری خواند که ذهن یهود را با نشانه‌هایی منحرف کرد تا او را رسول بدانند (Malmesbury, 173 in: Di

(Cesare, 2012: 81). این در حالی است که هیچ سخن دیگری در مورد این نشانه‌ها بیان نکرده است. جرالد ولز بر آن بود که پیامبر(ص) خود را همان مسیح مورد انتظار یهودیان معرفی کرد (Giraldus, 1861: 68).

برخی نویسنده‌گان برای تکمیل پروژه از پیش تعیین شده خود در ادعای معجزه‌سازی پیامبر(ص)، بر اطلاع پیامبر(ص) از آینده و امور پنهانی تأکید کردند. این در حالی است که اطلاع از غیب مختص حضرت محمد(ص) نبوده، بلکه یکی از معجزات حضرت عیسی(ع) این بود که از برخی امور پنهانی خبر می‌داد (ر.ک. آل عمران، ۴۹). بنابراین اگر اطلاع از غیب جزو معجزات محسوب نشود، در مورد حضرت عیسی(ع) نیز این امر صدق می‌کند. اتكلای جان سویل^۱ برای انتساب صفت حیله‌گری، روایت گم شدن شتر پیامبر(ص) و اطلاع وی از مکان آن است (ibid: 29). Albarus, 197 in: ibid: 29). پیتر ارجمند بر پیشگویی‌های پیامبر(ص) درباره پیروزی بر دشمنان تأکید داشت که آن حضرت به وسیله آن سعی کرد تا حمایت مردم را جلب کند (Wibaldi, accedunt and others, 1854: 701). استناد دیگر نویسنده‌گان در اطلاع از غیب، روایت تعارف گوشت از طرف زینب بنت حارث زن یهودی، به پیامبر(ص) و آگاهی او از سمی بودن آن است (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۲/۳۳۷؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۸۲/۲؛ طبری، ۱۹۶۷: ۱۵/۳). گودفری^۲ پیامبر(ص) را فریب کاری دانست که با ساخت معجزاتی چون سخن گفتن با گوشت سمی، افرادی را به دور خود جمع کرد (Viterbiensis, 427 in: ibid: 177). متیو نیز بر سخن گفتن با گوشت سمی تأکید داشت (Parisensis, 1872: 3/350). ژاک دو ویتری معجزات پیامبر(ص) چون نزول جبرئیل و صحبت کردن با گوشت سمی را غیرعقلانی خواند (deVitriaco, 2008: 114).

نویسنده کتاب زندگی محمد بر معجزاتی چون شفای دختر مريض، فراهم کردن آب در سفرهای نظامی و زنده کردن مردگان تأکید کرده و آن را ترفندی دانست که حضرت محمد(ص) به واسطه آن مردم را مجاب کرد تا به او بپیوندد (- Vita Mahometi: 244-213-212 in: Di Cesare, 212-213). حال آنکه نظری همین معجزات به دیگر پیامران الهی نیز نسبت داده شده بود و بدون هیچ دلیلی انتساب آن به حضرت محمد(ص) معجزه ساختگی شمرده شده بود.

¹ John of Seville
² Godfrey of Viterbo

نویسنده‌گان دیگری نیز بودند که در بیانی عام و بدون بیان مستندی خاص، قائل به ساخت معجزات الهی از سوی پیامبر(ص) شدند. درواقع، تمامی این نویسنده‌گان با پیش‌فرض ساختگی بودن نبوت حضرت محمد(ص)، بدون هیچ استدلال و استناد قابل قبولی، هر آنچه را که به ذهن‌شان می‌رسید، بیان می‌کردند. ویلیام تایر در عبارتی جعلی بیان کرد که حضرت محمد(ص) با سخنانی فریب‌آمیز توانست مردم مناطق شرقی و به خصوص عربستان را به سمت خود جلب کند (Tyrensis, 106 in: Di Cesare, 2012: 172). لوکاس نیز در اظهار نظری ساختگی، معجزات حضرت محمد(ص) را چیزی به جز سحر ندانست (Tudensis, 2003: 237). ویلیام اورنج بر ادعای ساختگی بودن آیات قرآن بدون هیچ سند و مدرکی تأکید داشت (Alvernum, 49 in: Di Cesare, 2012: 251).

برخی از اسلام‌شناسان برای زیر سؤال بودن نبوت پیامبر اسلام(ص)، بر موضوعی دست گذاشتند که در دعوت تمامی انبیای پیشین وجود داشت. آنها مدعی شدند که محمد(ص) برای تحت افیاد درآوردن پیروانش، آنان را با وعده‌های بهشت جسمانی ترغیب کرده و از عذاب‌های جهنم ترسانده است. باید توجه داشت که یکی از اهداف بعثت انبیا تبشير و انذار بوده و تمامی پیامبران برای ایجاد انگیزه در مردم برای عمل به نیکی‌ها و پرهیز از مفاسد، آنها را از عذاب دوزخ ترسانده‌اند و به نعمت‌های بهشتی وعده داده‌اند، اما نکته‌ای که با غرض ورزی تمام مورد تأکید اسلام‌شناسان واقع شد، وجه جسمانی نعمت‌ها و عذاب‌های اخروی است. در پاسخ بدین مدعای توان گفت در قرآن لذات روحی در مرتبه بسیار بالاتری قرار دارند.^۱ علاوه بر آن، به سبب اعتقاد به جسمانی بودن معاد، بیان نعمت‌ها و عذاب اخروی امری کاملاً عقلانی به نظر می‌رسد. بهویژه آنکه در قرون بعدی نویسنده‌گانی در غرب ظهور کردند که در مقام پاسخ به سخنان پیشینیان خود برآمدند. «هنری استاب» اسلام‌شناس قرن هفدهم، در انتقاد به سخن نویسنده‌گان پیشین که توصیف بهشت جسمانی را مستمسکی برای تشویق مسلمانان می‌دانستند، آن را امری کاملاً عادی و منطقی بر شمرده است. وی بیان کرد که اگر انسان حیات جاودانه داشته باشد و با همان جسم دنیوی محشور شود، طبیعتاً می‌بایست همان لذات و امیال دنیوی را داشته باشد (stubbe, 1911: 168).

^۱ آل عمران، ۱۵؛ توبه، ۷۲؛ قیامت، ۲۲.

برخی نویسندهای کان بدون توجه به فلسفه تبشير و انذار در آموزه‌های قرآنی، با پیش‌داوری به بیان نظراتی ساختگی پرداختند. ریچارد بر این باور تأکید داشت که حضرت محمد(ص) با وعده نعمت‌های جسمانی در بهشت چون نهرهای شیر، عسل و شراب مردمان را فریفت (166: 90 in: Di Cesare, 2012). آلن حضرت محمد(ص) را فردی معرفی کرد که با وعده لذات جسمانی مردم را فریب داد (de Insulis: 331 in: ibid: 187). الیور بیان کرده است حضرت محمد(ص) به یارانش وعده می‌داد که اگر هر یک بتوانند فردی را در جنگ بکشند، به باغی وارد می‌شوند که رودخانه‌هایی از شیر و عسل در آن جاری است (Scholasticus: 298 in: ibid: 217). توکان دو واراجین بر آن بود که پیامبر(ص) مردم را به بهشتی وعده می‌داد که ساکنان آن از گرما و سرما رنج نمی‌برند و از سه رودخانه شیر، عسل و شراب تناول خواهند کرد (DeVoragine, 2012: 579). رامون مارتی بر آن بود که حضرت محمد(ص) توانست با وعده بهشت در جهان پس از مرگ، افراد نادان را به دور خود جمع کند (Martini: 30 in: Di Cesare, 2012: 284). توماس آکویناس، حضرت محمد(ص) را فردی فریب کار می‌دانست که اطراف اینش را بالذات نفسانی در جهان پس از مرگ فریفت (7: 1878). بندهیکت اسقف مارسی، توصیف جزئیات بهشت در قرآن، Cerulli, چون رودخانه‌هایی از شیر و عسل را راهکاری برای جذب مردم بیان کرد (1949: 411). هامبرت نیز مدعی شده است که بهشت وعده‌داده شده در قرآن، تصویر بهشتی جسمانی است (188: 1960). ولیام دومینیکن طرابلس، تصویر وجود درختان و روان بودن نهرهای شراب، شیر و عسل را حقه‌ای برای جذب پیرو دانست (William of Tripoli, 1992: 220). تی‌ماروس با تکرار تهمت حیله‌گری، بر آن بود که پیامبر(ص) سارسن‌ها را به بهشتی وعده می‌داد که انواع میوه، چهار رودخانه شیر، عسل، شراب و آب در آن فراهم است (Thetmarus, 1851: 63). راجر وعده بهشت با رودخانه‌هایی از شراب و عسل را دلیلی برای حیله‌گری پیامبر(ص) برشمرد (de Wendover, coxe, 1842: 1/122). ولیام اورنج نعمت‌های جسمانی بهشت را وعده‌های Alvernum: 54 in: Di. پوچی خواند که پیامبر(ص) مردم را به وسیله آن فریفت (

آیات قرآن متمرکز شده و از آن مستمسکی ساختند تا حضرت محمد(ص) را متهم به امور شهوانی کنند (De Vitriaco, 2008:140; Thetmarus, 1851: 63). Cesare, 2012:

نسبت دزدی و پرخاشگری به پیامبر(ص)، دیگر اختلال اجتماعی بود که در منابع مسیحی بازتاب یافت. در حالی که در آیات قرآن بر آزادی دینی تصریح شده و پیروان یهود، مسیح و باورمندان به خداوند یگانه را اهل نجات معرفی کرده است (ر.ک. سوره انسان، آیه^۳: سوره کهف، آیه^{۲۹}: سوره آل عمران، آیات ۱۱۳-۱۱۵). علاوه بر آن، سیره عملی پیامبر(ص) در انعقاد پیمان‌های صلح و عدم تعرض با گروه‌های مختلف اهل کتاب و حتی مشرکان، حکایت از روحیه صلح طلبی و ضرورت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز دارد. پیمان ترک مخاصمه‌ده ساله پیامبر(ص) با مشرکان مکه (صلح حدیبیه)، صلح با یهودیان شرب (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۱/۱۵۰)، مسیحیان نجران (یعقوبی، [بی‌تا]: ۲/۸۲) و سایر پیمان‌ها نشانه‌هایی از تلاش پیامبر(ص) برای آشتی طلبی است. بهویژه آنکه در قرآن به مسلمانان سفارش شده است تا موقعی که دشمنان به پیمان ترک مخاصمه و عدم تعرض پاییند می‌باشد، پیمان آنها محترم است (آیه توبه، سوره^۴).

در واقع، نویسنده‌گان مغرض مسیحی بر این امر تأکید داشتند که در آیات مختلفی از قرآن، مسلمانان به جنگ با مخالفان تشویق می‌شدند و کسانی که از جهاد روی بر می‌گردانند، به شدت نکوهش می‌شدند. این دسته از نویسنده‌گان، از این امر غفلت کردن که جهاد با مخالفان در قرآن، منحصر به امور دفاعی بوده و در مواردی صورت می‌گیرد که دشمن جنگ را آغاز کند و حمله دشمن در آینده قطعی است (ر.ک. سوره بقره، آیه^{۱۹۰}; سوره مائدہ، آیه^۲; سوره نساء، آیه^{۷۵}). در حالی که صلح و هم‌زیستی، به صورت اصل و قاعدة اساسی در اسلام مدّنظر است و به هیچ دلیلی وابسته نیست (سوره افال، آیه^{۶۱}; سوره حجرات، آیه^{۴۹}). به خصوص تأکید قرآن بر دو واژه «صلح» و «سلم» فراوان است و مشتقات این دو واژه به اشکال مختلف و معانی گوناگون آمده است. لفظ سلم و مشتقات آن، در حدود ۱۳۳ آیه آمده، حال آنکه لفظ حرب فقط در ۶ آیه آمده است (برزنونی، ۱۳۸۴: ۱۲۶). لاندولفوس بدون توجه به اصول جنگ در اسلام، با

¹ Jacobus de Vitriaco

بی‌شرمی تمام پیامبر(ص) را فردی بی‌رحم دانست که سعی داشت با نیروی شمشیر دین خود را بر مردم تحمیل کند (Sagax, 1913: 1/134). پطروس آفونسی در عباراتی کاملاً جعلی پرخاشگری پیامبر(ص) را تا حدی دانست که در جنگی پس از شکستن دندان‌هاش، دستور داد تا کشتار و حشتتاکی در میان سپاه دشمن انجام دهد (Alfonsi, 2006: 162). «ویلیام تایر» بر آن بود که حضرت محمد(ص) آموزه‌هاش را به زور و اجبار بر مردم تحمیل می‌کرد (Tyrensis, 106 in: Di Cesare, 2012: 172). پیتر ارجمند بیان آیاتی درباره جنگ در قرآن را دلیل بر غیرالله بودن قرآن دانسته و بر این باور بود که پیش از این، بر موسی و مسیح هم کتاب نازل شده بود، ولی در هیچ یک صحبتی از جنگ و خونریزی نبود (Wibaldi, accedunt and others, 1854: 679). ویلیام اورنچ بدون هیچ استنادی مدعی شد که پیامبر(ص) بسیاری از مخالفان یکتاپرستی را از دم تیغ گذراند (Alvernus, 50 in: Di Cesare, 2012: 253) که پیامبر(ص) در آرزوی فتح امپراتوری روم بود و با تلاش‌های بسیار توانست بر شام مسلط شود (De rada, 1999: 4/92). هامبرت پیامبر(ص) را فردی خشونت‌طلب دانست که به آزار و شکنجه مسیحیان می‌پرداخت (Gratius, 1960: 188). لوکاس مدعی شد که پیامبر(ص) به شام و بین‌النهرین حمله کرد و توانست آنجا را به تصرف خود درآورد (Tudensis, 2003: 169). ویلیام دومینیکن طرابلس، در مدعایی ساختگی عنوان کرده است که پیامبر(ص) به امپراتوری روم در زمان هراکلیوس حمله کرد و در نهایت با سپاه William of Tripoli (Tripoli, 106: 1992). تی‌ماروس پیامبر(ص) را متهم کرد که برای اجبار ساراسن‌ها به جنگ با مسیحیان، به آنان وعده داد که در صورت کشته شدن در جنگ، نعمت‌های بهشتی نصیب آنها خواهد کرد (Thetmarus, 1851: 65). رامون مارتی بدون هیچ استنادی مدعی شد که حضرت محمد(ص) مخالفان خود را بدون توجیه خاصی از سر راه بر می‌داشت (Martini: 434 in: Di Cesare, 2012: 297).

برخی از اسلام‌شناسان که پیامبر اسلام(ص) را منادی جنگ و خونریزی معرفی کردند، بر پادash‌های بهشتی مجاهدان مسلمان در قرآن تأکید داشتند. در حالی که همان‌طور که گفته شد) در قرآن، تنها دستور مقاتله و مبارزه با کسانی که با مسلمانان

می‌جنگند، صادر شده و بالطبع تنها مجاهدانی که به دفاع از مرزهای اسلامی می‌پردازند، می‌بایست توقع پاداش اخروی داشته باشند. آناستاسیوس کتابدار^۱ در نسبت خشونت طلبی به پیامبر(ص) عنوان کرد که محمد(ص) یارانش را در صورت کشته شدن در جنگ، به بهشتی همراه با لذات جسمانی و عده می‌داد (Anastasius, 1885: 2/209). تئوفانس مدعی شد که حضرت محمد(ص) برای ترغیب سپاهیانش به جنگ، به آنان عده داد که در صورت کشته شدن در جنگ به بهشت وارد خواهد شد (Theophanes, 1982: 35). زیگبرت قولی از پیامبر(ص) به یارانش آورد که اگر در جنگی کشته شوند، به بهشتی پر از مواد غذایی و لذات جسمانی وارد خواهد شد (Pertz, 1844: 323). راجر و عده بهشت جسمانی با رودخانه‌هایی پر از شیر و عسل را دلیل حس جنگ طلبی حضرت محمد(ص) دانست (deWendover, coxe, 1842: 1/123). نویسنده کتاب زندگانی محمد مدعی شد که پیامبر(ص) به یارانش مژده می‌داد که اگر در صحنه نبرد با مسیحیان کشته شوند، به بهشتی با انواع لذات جسمانی وارد خواهد شد (Vita Mahometi, 244-5 in: Di Cesare, 212-3).

تعرض مسلمانان به کاروان‌های قریش در ابتدای حضور مدینه، بهانه‌ای به دست نویسنده‌گان غربی داد تا با تکیه بر آن پیامبر(ص) را به نسبت‌هایی چون دزدی و غارتگری متصف سازند. البته باید توجه داشت که در هیچ یک از این حملات، غنیمتی عاید مسلمانان نشد و تنها هدف پیامبر(ص) ناامن نشان دادن جاده تجاری مکه به شام بود که شاهرگ اقتصادی اشراف قریش به شمار می‌رفت. تنها در سریه عبد‌الله بن حخش با تخلف از دستور پیامبر(ص) غنایمی به دست آمد که به دستور آن حضرت مورد استفاده قرار نگرفت (ر.ک. ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۶۰۴/۱؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۷/۲؛ طبری، ۱۹۶۷: ۴۱۵/۲). «ژاک دو ویتری» پیامبر(ص) را فردی سارق توصیف کرد که توانست اطرافیانش را برای غارتگری بسیج کند (DeVitriaco, 2008: 110). وی مدعی شد حضرت محمد(ص) به شام و بین‌النهرین حمله کرد و بسیاری را از دم تیغ گذراند. خطای آشکار ویتری نشان می‌دهد که اطلاعات وی از حوادث تاریخی کاملاً مخدوش بوده و یا از سر عناد به بیان مطالبی پرداخته که هیچ پایه و اساسی ندارد (ibid, 131).

۱ Anastasius Bibliothecarius

گودفری نیز بر غارت اموال کاروانیان قریش توسط پیامبر(ص) تأکید داشت (Viterbiensis: 417 in: Di Cesare, 2012: 174) . الیور، پیامبر(ص) را فردی توصیف کرد که علاقهٔ بسیاری به جنگ داشت و سعی می‌کرد با تهدید ملت‌ها به فتح سرزمین‌های اطراف بپردازد (Scholasticus, 203 in: Di Cesare, 2012: 216) . متیو پاریس عنوان کرد که حضرت محمد(ص) دزدان و راهزنان را گرد خود جمع و اموال بازرگانان را غارت می‌کرد (Parisiensis, 1872: 1/272) . وینسنت در اظهار نظری و قیحانه حضرت محمد(ص) را فردی برشمرد که تعدادی از مردمان فراری و دزد را دور خود جمع کرد و به غارت کاروان‌های تجاری پرداخت (Bellovacensis, 1591: 314) .

بررسی اطلاعات فردی نویسنده‌گان

قرن هشتم میلادی مصادف با دوره‌ای از تاریخ اسلام است که فتوحات به حد قابل توجهی گسترش یافته بود. حاکمیت اسلام بر بخش مهمی از آسیا و آفریقا تثبیت شد و مسلمانان در آستانه ورود به اروپا قرار گرفته بودند. در این قرن عالمان مسیحی منطقهٔ بین‌النهرین، شامات و فلسطین که پس از گیجی و سردرگمی ناشی از فتوحات برق‌آسای مسلمین، خود را بازیافته بودند، مقابلهٔ نظری با اسلام را آغاز کردند.

در میان شخصیت‌های شاخص این قرن، می‌توان از یوحنا دمشقی (۶۴۵-۷۵۰م) نام برد. وی از آخرین آبای کلیسا‌ی شرق بود که سبب تحولاتی در الهیات کلیسا شد. یوحنا ابتدا در دربار خلافت اسلامی موقعیت ویژه‌ای داشت، اما پس از مخالفت خلیفه عبدالملک (۶۸۵-۷۰۵م) با مسیحیان، از مقام خود برکنار شد. پس از آن بود که به صومعه‌ای در اورشلیم رفت و رهبانیت اختیار کرد. بیانیه وی در مورد تمثال‌پرستی، با مخالفت شدیدی روبرو شد و شورای کلیسا وی را ملعون خواند، اما پس از تصویب تمثال‌پرستی از سوی شورای دوم «نیقیه»، لقب «معلم کلیسا» را دریافت کرد. در این زمان، نزاع‌های عقیدتی میان اسلام و مسیحیت بالا گرفت و یوحنا در آن نقش بسزایی داشت (Kotter, 2002: 11/951) .

دیگر شخصیت تأثیرگذار این قرن، تئوفانس (۷۵۲-۷۱۸م) تاریخ‌نگار، راهب و قدیس مسیحی بیزانسی بود که در قسطنطینیه متولد شد. وی عضو انجمن آریستوکرات

بیزانس بود و به دلیل مخالفت با تمثالشکنی، به دستور امپراتور لئو پنجم زندانی شد (Charanis, 2002: 13/929).

پیشرفت اولیه مسلمانان در اندلس و فتح شبه جزیره ایبری در سال ۹۲ق / ۷۱۱م، سبب شد تا مسیحیان در برابر مهاجمان تازهوارد به واکنش برخیزند. علاوه بر مبارزه در نبردهای نظامی، انجمن‌های کلیسا‌بی به تشویق نویسنده‌گان برای مبارزه با آرای مسلمانان برخاستند. پس از توقف پیشروی مسلمانان در شهر تور که به دنبال پیروزی شارل مارتل روی داد، نخستین ارتباط دائمی دنیای غرب و مسلمانان پدید آمد.

مهم‌ترین چهره تأثیرگذار در قرن نهم «اولوجیوس» (متوفی ۸۵۹م) راهب اهل کوردو با بود که الهیات مسیحی را نزد علمای زمان خود فرا گرفت. وی در کوردو با که تحت سلطه مسلمانان بود، به عنوان کشیش خدمت می‌کرد و در زمان عبدالرحمن دوم، رهبری جنبش شهادت‌طلبی را بر عهده داشت. وی پیروانش را تشویق می‌کرد که به پیامبر(ص) ناسرا بگویند تا خداوند بعد از مرگ به آنان پاداش بهشت دهد (Wreglesworth, 2002: 11/43). اولوجیوس در یادبودی که برای تکریم و تجلیل شهدا نوشت، برخی از این اتهامات را آورده است. دیگر نویسنده قرن نهم، آناستاسیوس کتابدار (۸۱۰-۸۷۸م)، کاردینال مارسلو، در رم بود. وی از مدافعان مقام پاپ به شمار می‌رفت و مقامات رسمی متعددی در کلیسا بر عهده داشت. برای مدتی کشیش کلیسای رم بود و در زمان رهبری پاپ نیکلاس (۸۵۸-۸۶۷م)، راهب بزرگ کلیسای «سانتا ماریا» در «تیبر» شد. پس از آن، مقام ریاست آرشیو کلیسای روم را بر عهده گرفت (Kirsch, 2002: 1/389).

در قرن دهم و یازدهم، با شروع جنگ‌های تجزیه‌طلبی در غرب، موضع‌گیری نسبت به پیامبر(ص) کاهش یافت. تنها اثر یافتشده در این قرن، تاریخ روم است. این کتاب اثری دنباله‌دار است که «پاول دیکون» آن را نوشت و لاندولفوس دنبال کرد. زیگبرت (۱۰۳۰-۱۰۷۰م)، مورخ و شرح حال‌نویس قرن یازدهم، از کودکی وارد صومعه ژامبلو (شهری در بلژیک کنونی) شد. وی تحت تعلیم آلبرت راهب بزرگ قرار گرفت و پس از آن، به مدت بیست سال به متز (شهری در فرانسه) رفت و الهیات مسیحی تدریس کرد (Williams, 2002: 13/111).

از قرن دوازدهم میلادی که عصر گذار به دوره جدید آغاز شد، نویسنده‌گان بیشتری به

موضع گیری درباره حضرت محمد(ص) پرداختند. در آغاز قرن یازدهم، وایکینگ‌ها و اسلاوهای مسیحیت را پذیرفته و توجه غرب مسیحی به سوی مسلمانان جلب شد. در اواخر قرن یازدهم میلادی، مجلسی در شهر «کلمون» فرانسه برگزار شد و پس از مذاکرات طولانی، پاپ اوربان دستور حمله مسیحیان برای آزادی اورشلیم را صادر کرد (رحیم زاده صفوی، ۱۳۳۴: ۱۶/۱). در این زمان بود که پیتر ارجمند، نهمین راهب دیر کلونی، سفارش ترجمة قرآن به لاتین را داد. این ترجمه که با سوگیری و کینه توڑی نوشته شده بود، مرجع آثار بعدی قرار گرفت. پیتر ارجمند (۱۰۹۲-۱۵۶۱م) مهم‌ترین نویسنده قرون وسطی و اهل «اوورنی» فرانسه بود که علیه پیامبر(ص) موضع گیری کرد. وی از دوره نوجوانی وارد صومعه شد و در بیست سالگی به مقام استادی رسید. پیتر سفری طولانی به اسپانیا برای تحصیل در مطالعات اسلامی داشت و اولین نسخه لاتین قرآن را در آنجا منتشر کرد (Edwards, 2002: 11/207). طروس آفونسی پزشک، نویسنده، ستاره‌شناس و متکلم قرن دوازدهم میلادی است که در اسپانیا متولد شد. وی ابتدا بر دیانت یهود بود، ولی در سال ۱۱۰۶م. مسیحی شد. خانواده وی ارتباط نزدیکی با خاندان سلطنت داشت؛ به طوری که آفونسوی یکم پادشاه آراغون، نامش را از او گرفت. پس از آن، در سال ۱۱۱۶م. به انگلستان و فرانسه سفرهایی داشت (Kohut, 1901: 1/377). ویلیام تایر (۱۱۸۷-۱۱۳۰م) مورخ و دیپلمات بر جسته در اورشلیم متولد شد. وی در پانزده سالگی به پاریس رفت و مدت بیست سال به تحصیل در رشته‌های قانون مدنی، هنر و الهیات پرداخت. ویلیام چندین مأموریت سیاسی به قسطنطینیه و رم انجام داد و برای مدتی صدراعظم اورشلیم شد (gallucci, 1096: 945).

ویلیام (۱۱۹۰-۱۱۴۳م) راهب مقدس، محقق و مورخ بر جسته بریتانیایی بود که بین سالهای ۱۰۹۰-۱۰۹۵م. متولد شد. وی از همان عنفوان جوانی به عنوان راهب در ایالت «مالمسبوری» خدمت می‌کرد و بعدها سمت کتابداری صومعه را به دست آورد (farmer, 14/743: 2002). «جان سویل» دیگر نویسنده قرن دوازدهم میلادی و اهل تولدو بود که بین سالهای ۱۱۳۵ و ۱۱۵۳م. زندگی می‌کرد. وی از قدیمی‌ترین مترجمان زبان عربی به شمار می‌رفت (Wreglesworth, 2002: 11/43).

جرالد ولز (۱۱۴۸-۱۱۴۷/۱۲۲۳م) معاون اسقف، مورخ و نویسنده پرکار

بریتانیایی، از دیگر عالمان مسیحی بود که به موضوع گیری در مورد حضرت محمد(ص) پرداخت. پدر وی عضو خانواده سلطنتی ولز بود. وی مدتی در پاریس به تحصیل در رشته قانون، الهیات و هنر پرداخت و پس از آن به عنوان مبلغ جنگ صلیبی فعالیت می کرد (Corbett, 2002: 6/231).

گودفری (۱۱۹۶-۱۱۲۰ م) مورخ و شاعر ایتالیایی، کشیش دربار در دوره حکومت بارباروس و هنری ششم، از دیگر چهره های شاخص قرون وسطی بود که برای مدتی در دوره کنراد دوم و فردیک بارباروسا، منصب قاضی عسکر را داشت (Dillon, 1/339: 1383). ریچارد (متوفی ۱۱۴۷ م)^۱ راهب فرانسوی و اهل پوآتیه، دیگر نویسنده قرون وسطی بود که در اثرش با عنوان *وقایع نامه جهانی*، شرح حالی از حضرت محمد(ص) آورده است.

«والتر»^۲ شاعر فرانسوی و راهب صومعه ای در تور (شهری در فرانسه)، اولین نویسنده مسیحی بود که در نیمة اول قرن دوازدهم، اثرب احتصاصی در مورد حضرت محمد(ص) نوشت. وی قصیده ای با موضوع زندگانی حضرت محمد(ص) سرود و اطلاعاتش را از شوالیه ای فرانسوی که در اولین جنگ صلیبی شرکت کرده بود، دریافت کرد (Raby, 2/82-83: 1934). «آلن دو لیل» (۱۱۲۸-۱۲۰۲ م) عارف، متکلم و شاعر فرانسوی، از نویسنده گان قرن دوازدهم بود. وی سالهای بسیاری را مشغول تدریس کلام بود و در سال ۱۱۷۹ م. وارد «شورای لاتران» شد (Chalmers, 1812: 1/287).

از قرن سیزدهم شمار نویسنده گان افزایش قابل توجهی یافت. ژاک دو ویتری (۱۱۸۰-۱۲۴۰ م) مورخ و واعظ جنگ های صلیبی، برای مدتی در پاریس الهیات مسیحی را فرا گرفت. وی به عنوان کشیش، تحت نظر حاکمیت فعالیت می کرد و این سمت را تا سال ۱۲۱۶ م. و انتخابش به عنوان اسقف حفظ کرد (McDonnell, 2002: 7/693). الیور (متوفی ۱۲۲۷ م) در جنگ های صلیبی حضور فعالی داشت و به عنوان اسقف شهر «پادربورن» انتخاب شد. «لو کاس دو توی» (متوفی ۱۲۴۹ م)، اسقف و *وقایع نامه* نویس اهل توی (شهری در اسپانیا)، سفرهای فراوانی به بیت المقدس، رم، قسطنطینیه، قبرس، ارمنستان و فرانسه داشت (Robinson, 1978: 14). «راجر ونداور» (متوفی ۱۲۳۶ م)

۱ Richard of Poitiers

۲ walter of Compiegne

و قایع‌نامه‌نگار و راهب «سنต آلبنر» (شهری در بریتانیا)، در اثرش شرح حالی از حضرت محمد(ص) آورده است (fuller, 1811: 1/141). وینسنت (متوفی ۱۲۶۴ م) راهب دومینیکن و نظریه‌پرداز، در شهر بیووه فرانسه زندگی می‌کرد. متیو پاریس (۱۲۵۹-۱۲۰۰ م) راهب بنديکت و بزرگ‌ترین و قایع‌نامه‌نویس قرن سیزدهم، برای مدتی مقام کتابت را در صومعه سنت آلبنر (ناحیه‌ای در بریتانیا) برعهده داشت (Ott, 1913: 9/360). ژاک دو واراجین اسقف اعظم جنو، و قایع‌نامه‌نگار و شرح حال‌نویس ایتالیایی، از آغاز جوانی وارد حزب دومینیکن شد. مدارج دینی را به سرعت گذراند و در سال ۱۲۴۴ م. ریاست صومعه کومو (شهری در ایتالیا) را برعهده گرفت (Mulhern, 2002: 8/262). رامون مارتی (متوفی ۱۲۸۵ م)، نظریه‌پرداز دومینیکن، متکلم و شرق‌شناس قرن سیزدهم بود که رساله‌های متعددی علیه مسلمانان نوشته. وی در دانشکده مطالعات عربی تونس و دانشکده مطالعات عربی اسپانیا به تحصیل پرداخت و مشاور لوئی چهارم در جنگ صلیبی نیز بود (Wallace, 2002: 14/13). توماس آکویناس (۱۲۷۴-۱۲۲۵ م) راهب فرقه دومینیکن، دین‌شناس ایتالیایی، معلم کلیسا و مدافع مدارس کاتولیک، از دیگر نویسنده‌گانی بود که در دفاع از دین مسیحیت، به نگارش آثاری دست زد و مدتی در پاریس به تحصیل در رشته الهیات مسیحی پرداخت (Wallace, 2002: 14/13).

بندیکت (متوفی ۱۲۶۸ م)، راهب فرقه فرانسیسکن و اسقف مارسی (شهری در فرانسه)، در جنگ‌های صلیبی حضور فعالی داشت و چندین بار به رم سفر کرد. نویسنده دیگری که در دفاع از آیین مسیحیت به نگارش تألیفاتی پرداخت، هامبرت (۱۲۰۰-۱۲۷۷ م) رئیس فرقه دومینیکن، حقوق‌دان و استاد هنر در دانشگاه پاریس بود. وی بیشتر از ده سال به عنوان متاله در صومعه دومینیکن مشغول به کار بود و گزارشی از شورای دوم لیون را جمع‌آوری کرد (Lozier, 2002: 7/198). ویلیام اورنچ (۱۱۸۰/۹۰-۱۲۴۹ م) دیگر متکلم بنام مسیحی بود که کتابی با عنوان رساله‌ای در ایمان و سرپیچی امته‌ها به نگارش درآورد و در آن حضرت محمد(ص) را به عنوان پیامبر دروغین معرفی کرد. وی استاد رشته الهیات بود و بیشتر از بیست سال سمت اسقف پاریس را داشت (o'donnell, 2003: 14/736).

«رودریگو خیمنس ردا» (۱۱۷۱-۱۲۴۷ م) اسقف اعظم تولدو و صدر اعظم کاستیل، در جنگ‌های صلیبی شرکت فعالی داشت و نقشی کلیدی در جنگ علیه موحدان داشت (de

ویلیام Rada, 2002: 14/882) نویسنده و مبلغ فرقه دومینیکن و اسقف اعظم صور، در طرابلس متولد شد. وی سفیر لوثی نهم به دربار خان مغول بود و به درخواست پاپ گریگوری دهم، منابع عربی متعددی در مورد حضرت محمد(ص) و قوانین او گرد آورد (Hinnebusch, 2002: 14/754). در نیمة این قرن، کتابی با عنوان زندگانی محمد در حوزه اسپانیا به نگارش درآمد که نویسنده آن ناشناخته بوده و محور اصلی آن، ساختگی بودن معجزات منسوب به حضرت محمد (ص) است. «تی ماروس» راهب آلمانی قرن دوازدهم، در شرح سفر خود به مکان‌های مقدس و ذیل بحث شهر مکه، از پیامبر(ص) سخن گفته است.

اطلاعات فردی							ویژگی اجتماعی منتبه به پیامبر(ص)		
نام نویسنده	دوره زمانی	محل فعالیت	وابستگی به قدرت	شخص	ساخت قانون شهوانی	تأثیرپذیری مسیح	فریب کارخشونت طلب	غاره گر	
یوحنا دمشقی	۷۷۶-۷۴۹ م.	شام	خدمتکار خلیفة دمشق، راهب اورشلیم	الهیات	*	*	*	*	
توفانس	۷۵۰-۸۱۷ م.	قسطنطینیه- بیزانس	راهب و عضو انجمن آریستوکرات بیزانس	الهیات، تاریخ	*	*	*	*	
اولوجیوس (کوردو با)	متوفای ۸۵۹ م	کوردو با- اندلس	کشیش و اسقف کوردو با	الهیات	*	*	*	*	
آناستاسیوس کابدار	۸۱۰-۸۷۸ م.	رم- ایتالیا	کاردينال مارسلو، راهب سانتا ماریا، دیبر پاپ، رئیس آرشیو کلیسا‌ی روم	الهیات، تاریخ	*	*	*	*	
لاندولفوس	قرن دهم	رم- ایتالیا	-	تاریخ	*	*	*	*	
زیگبرت	-۱۰۳۰ م. ۱۱۱۲	فامرو سلسه کاپسین	علم صومعه، نویسنده مدافع	الهیات	*	*	*	*	

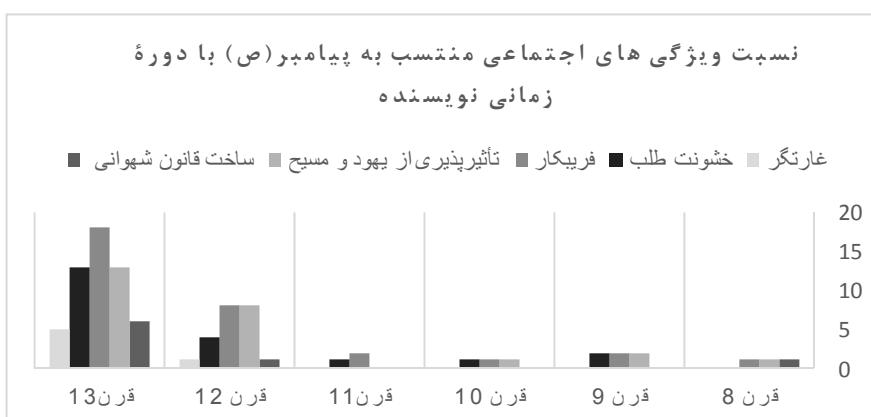
ویژگی اجتماعی منتبه به پیامبر(ص)							اطلاعات فردی				
نام نویسنده	دوره زمانی	محل فعالیت	وابستگی به قدرت	شخص	ساخت قانون	تأثیرپذیری از یهود و	فریب کارخشنونطلب	غاره گر			
		(بلژیک کنونی)، سفر به قامر و سلسه کاپسین	امپراتور								
ولیام مالمسبوری	-۱۰۹۵ م ۱۱۴۳	انگلیس	راهب، کتابدار صومعه	تاریخ، الهیات		*	*	*			
پیتر مقدس	-۱۰۹۲ م ۱۱۵۶	قامر و سلسه کاپسین، سفر به اندلس	راهب و رهبر مذهبی	الهیات، تاریخ	*	*	*	*			
پطروس آلفونسی	-۱۰۶۲ م ۱۱۴۰	اندلس، سفر به انگلیس قامر و سلسله کاپسین	ارتباط نزدیک با خاندان سلطنتی	پژوهشکی، نجوم، الهیات	*	*	*	*			
ولیام تایر	-۱۱۳۰ م ۱۱۸۷	اورشلیم، سفر به قامر و سلسه کاپسین، قسطنطینیه و روم	دیلمات، صدراعظم اورشلیم	الهیات، تاریخ، قانون و هر	*	*	*	*			
جان سویل	-۱۱۳۵ م ۱۱۵۳	کوردویا	دوست پاول آلاروس، راهب صومعه	ترجمه	*	*	*	*			
جرالد ولز	/۱۱۴۷ -۱۱۴۸ م ۱۲۲۳	انگلیس، سفر به قامر و سلسه کاپسین	دفندار سلطنت و قاضی عسگر	الهیات، تاریخ	*	*	*	*			
گودفری ویتروبو	-۱۱۲۰ م ۱۱۹۶	رم- ایتالیا	کشیش دربار، قاضی عسگر	شعر، تاریخ، الهیات	*	*	*	*			
ریچارد بوایه	متوفی ۱۱۴۷م	قامر و سلسه کاپسین، سرزمین گل	راهب صومعه	تاریخ، الهیات، شاعر	*	*	*	*			
والتر	نیمه قرن دوازدهم	قامر و سلسه کاپسین	راهب	شعر، الهیات	*	*	*	*			
آل دو لیل	-۱۱۲۸	قامر و سلسه	راهب	الهیات،	*	*	*	*			

ویژگی اجتماعی منتبه به پیامبر(ص)							اطلاعات فردی				
نام نویسنده	دوره زمانی	محل فعلیت	وابستگی به قدرت	شخص	ساخت قانون	تأثیر پذیری از یهود و خشونت طلب	فریب کار	غاره گر			
کاپسین	م ۱۲۰۲			شعر							
ژاک دو ویتری	- ۱۱۸۰ م ۱۲۴۰	قلمرو سلسله کاپسین	اسقف	الهیات، تاریخ	*	*	*	*			
ایور	متوفی ۱۲۲۷ م	امپراتوری روم رزمن	کشیش	تاریخ، الهیات	*	*	*	*			
لوکاس دوتی	متوفی ۱۲۴۹ م	اندلس-سفر به بیت المقدس رم و قلمرو سلسله کاپسین	اسقف توی	تاریخ، الهیات	*	*	*	*			
راجر ونداور	متوفی ۱۲۳۶ م	سنت آلبرنز- بریتانیا	راهب سنت آلبرنز	تاریخ، الهیات	*	*	*	*			
وینست	متوفی ۱۲۶۴ م	قلمرو سلسله کاپسین	راهب دومینیکن	تاریخ، الهیات	*	*	*	*			
متیو پاریس	- ۱۲۰۰ م ۱۲۵۹	سنت آلبرنز- بریتانیا	راهب	تاریخ، الهیات	*	*	*	*			
ژاک دو واراجین	- ۱۲۱۶ م ۱۲۲۳	جنوا-ایتالیا	اسقف اعظم جنوا	تاریخ، الهیات	*	*	*	*			
رامون مارتی	متوفی ۱۲۸۵ م	تولدو - اندلس	راهب دومینیکن	تاریخ، الهیات	*	*	*	*			
توماس آکوینس	۱۲۷۴-۱۲۲۵ م	آکوینو-ایتالیا، سفر به قلمرو سلسله کاپسین	راهب دومینیکن	الهیات	*	*	*	*			
بندیکت	متوفی ۱۲۶۸ م	قلمرو سلسله کاپسین (مارسی)، سفر به بیت المقدس	اسقف مارسی	الهیات	*	*	*	*			
هامبرت	۱۲۷۷-۱۲۰۰ م	اندلس، اقامت در توسکانی- ایتالیا	رئیس صومعه ایالت توسکانی	الهیات	*	*	*	*			
ولیام اورنج	- ۱۱۸۰/۹۰ م ۱۲۴۹	قلمرو سلسله کاپسین	اسقف	الهیات	*	*	*	*			

ویژگی اجتماعی منتبه به پیامبر(ص)							اطلاعات فردی				
غاره‌گر	غاره‌گر خشونت طلب	فریب کار	تأثیرپذیری از یهود و مسیح	قانون ساخت	شخص	وابستگی به قدرت	محل فعالیت	نام نویسنده	دوره زمانی	دوره زمانی	
*	*	*	*		اسقف صدر اعظم کاستیل	اندلس، سفر به قلمرو سلسله کاسپین	۱۲۴۷-۱۱۷۱	رودریگو خیمنس ردا	۳		
*	*	*	*		راهب و مبلغ دومینیکن	طرابلس، اقامت در صور	۱۲۷۳-۱۲۲۰	ولیام (طرابلس)	۳		
	*	*	*		تاریخ	-	قلمرو اندلس	ناشناخته	قرن سیزدهم		
	*	*		*	تاریخ، الهیات	راهب	امپراتوری روم ژرمن	نیمه اول قرن سیزدهم	نیمه اول قرن سیزدهم	تی ماروس	

تحلیل داده‌ها

۱. دوره زمانی



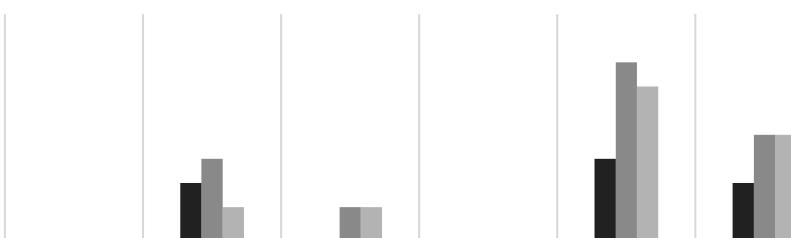
درباره ویژگی‌های اجتماعی، مواردی چون اختلالات رفتاری فریبکاری، تأثیرپذیری از یهود و مسیح، ساخت قانون شهوانی و خشونت طلبی به پیامبر(ص) انتساب داده شده است. در بین خصایل مذکور، فریبکاری بیشترین فراوانی را داشت. بیشتر منابع برای نسبت مکاری پیامبر(ص)، به رد معجزات و کرامات آن حضرت و تمسخر نعمت‌های بهشتی در قرآن پرداختند. فراوانی موضع یاد شده در منابع، ۳۲ مورد بود که در قرن هشتم

و دهم ۱ مورد، قرن نهم و یازدهم ۲ مورد، قرن دوازدهم ۸ مورد و قرن سیزدهم ۱۸ مورد یافت شد. اتهام تقليدي بودن آموزه‌های قرآنی و تأثیرپذيری پیامبر(ص) از يهود و مسيح، در مرتبه دوم قرار داشت. تعداد گزاره‌های مربوط به اين موضوع، ۲۹ مورد بود که در قرن هشتم و دهم ۱ مورد، قرن نهم ۲ مورد، قرن دوازدهم ۸ مورد و قرن سیزدهم ۱۸ مورد یافت شد. خصلت خشونت‌طلبی در مرتبه بعدی قرار داشت که ۲۱ نفر از نويسندگان بدان پرداختند. از نظر زمانی، در قرن نهم ۲ نفر، دهم و یازدهم ۱ نفر، قرن دوازدهم ۴ نفر و قرن سیزدهم ۱۳ نفر به اين ويزگي پرداختند. فراوانی گزاره ساخت قانون شهوانی، در قرن هشتم و دوازدهم ۱ مورد و در قرن سیزدهم ۶ مورد بوده است. كمترین فراوانی مربوط به خصلت غارتگری بود که در قرن دوازدهم ۱ مورد و قرن سیزدهم ۵ مورد بوده است.

۲. محل نشو و نمای نويسنده

های اجتماعی متناسب به پیامبر(ص) با محل نشو و نمای نويسنده

■ ساخت قانون شهوانی ■ تأثیرپذيری از يهود و مسيح ■ فريبيكار ■ خشونت طلب



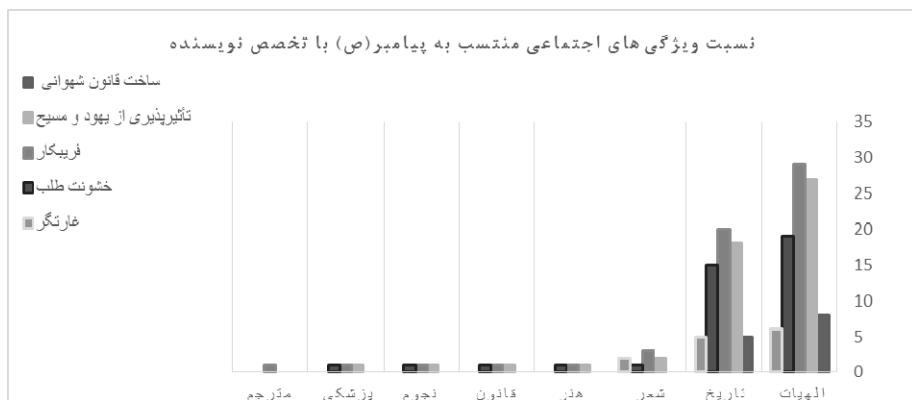
نويسندگانی که پیامبر(ص) را فريب کار دانستند، در قلمرو سلسله کاپسين ۱۰ نفر، اندلس ۸ نفر، انگلیس ۴ نفر، ايتاليا ۶ نفر، امپراتوري روم ژرمن ۲ نفر و طرابلس و شام ۱ نفر بودند. نويسندگانی که به تأثیرپذيری پیامبر(ص) از يهود و مسيح پرداختند، ۹ نفر در قلمرو سلسله کاپسين، ۷ نفر در اندلس، ۴ نفر در ايتاليا، ۴ نفر در انگلیس، ۲ نفر در امپراتوري روم ژرمن و ۱ نفر در اورشليم، شام و طرابلس زندگی می‌کردند. درباره نسبت خشونت‌طلبی، نويسندگان متعلق به قلمرو اندلس ۵ نفر، ايتاليا ۵ نفر، قلمرو سلسله کاپسين

۶ نفر، امپراتوری روم ژرمن ۲ نفر و قلمرو انگلیس، طرابلس و قسطنطینیه ۱ نفر بودند. نویسنده‌گانی که به پیامبر انتساب غارتگری دادند، در قلمرو سلسله کاپسین ۲ نفر و در امپراتوری روم ژرمن، انگلیس، اندلس و شام ۱ نفر زندگی می‌کردند.

۳. و ابستگی به قدرت

تقریباً تمامی نویسندهایی که به موضع گیری درباره ویژگی‌های اجتماعی پیامبر(ص) پرداختند، وابسته سیاسی بودند. آنها در سمت کشیش، راهب، قاضی، ریاست صومعه و رهبر مذهبی، به دین مسیح خدمت می‌کردند.

۴. تخصص نویسنده



تخصص ۲۹ نفر از نویسندهای کار دانستند، الهیات بود که ۱۹ نفر از آنها در تاریخ و ۳ نفر در شعر نیز تبحر داشتند. علاوه بر آن، ۲ نفر از آنها مترجم و مورخ بودند. ۲۷ نفر از نویسندهای کار دانستند که پیامبر(ص) را فردی تلقین‌پذیر از یهود و مسیح معرفی کردند، متأله مسیحی بودند که از میان آنها ۱۷ نفر مورخ، ۲ نفر شاعر و ۱ نفر حقوق‌دان بودند. در رشته‌های تاریخ و ترجمه نیز ۱ نفر متخصص بودند. درباره اتساب خشونت‌طلبی، ۱۹ نفر در رشته الهیات تبحر داشتند که ۱۳ نفر از آنها در تاریخ نیز متخصص بودند. البته ۲ نفر از آنها به طور ویژه مورخ بودند. در رشته‌های هنر، قانون، نجوم، پزشکی و شعر، یک نفر پیامبر(ص) را خشونت‌طلب دانستند. نویسندهای کار دانستند که به

پیامبر(ص) نسبت غارتگری دادند، در مجموع ۶ نفر بودند که همگی متاًله بودند و ۵ نفر از آنها مورخ و ۲ نفر شاعر نیز بودند.

نتیجه‌گیری

از نسبت‌سنجدگی‌های فوق برمی‌آید که اولین انگاره‌های مسیحیان از پیامبر(ص)، با وجود تفاوت در دوره زمانی، محل نشوونما و تخصص، یکسان بوده و به مرور زمان تعداد آن افزایش یافته است. شاید این امر را بتوان در انگیزهٔ یکسان آنها جست‌وجو کرد. اولین امری که مسیحیت را به تقابل با اسلام وا داشت، انگیزهٔ سیاسی بود. تصرف سرزمین‌های مسیحی‌نشین امپراتوری روم شرقی و ورود سپاه اسلام به شبه‌جزیره ایرانی، مسیحیت را بر آن داشت تا علاوه بر مبارزه در جبهه نظامی، به رد و نقض آرای مذهبی آنان نیز پیردادزد؛ به‌ویژه آنکه تازه‌واردان مسلمان، انگیزهٔ خود از حمله به سرزمین‌های مسیحی‌نشین را گسترش اسلام عنوان کردند. به تدریج محرک‌های مذهبی نیز سبب شد تا مسیحیت با برنامه‌ریزی گسترده‌تری به تقابل با اسلام پیردادزد؛ زیرا دین اسلام عقاید بنیادی کلیسا چون تشییث را رد کرده و مسیحیت رایج را دینی معرفی کرد که از مسیر حقیقی خارج شده است. ترجمة قرآن به زبان لاتین در قرن دوازدهم میلادی، نقطه عطف این تقابل مذهبی به شمار می‌رفت. این ترجمة مغلوط و سراسر غرض‌آلود که تا پانصد سال بعد مهم‌ترین مرجع شناخت دین اسلام به شمار می‌رفت، خود به وحدت رویهٔ نویسنده‌گان در تصویرسازی اسلام انجامید. نکتهٔ مهمی که می‌تواند فتح باب یک پژوهش جداگانه باشد، این است که اروپای مسیحی پس از مقابلهٔ نظامی با مسلمانان، دچار تناقض و تصاد شد. آنان پس از مشاهدهٔ پیشرفت‌های شگرف مسلمانان در معماری، حقوق، ادبیات، فلسفه و بسیاری از حوزه‌های فرهنگی، در سردرگمی ماندند که چطور مردمی بی‌تمدن و جاهل توانستند به چنین مرتبه‌ای برسند؛ افرادی که پیام‌آور دین آنها فردی چون حضرت محمد(ص) بود که در غرب مسیحی تصویری زشت و ناپسند داشت. بنابراین بیشتر از موقعیت نظامی، ضعف فرهنگی بود که موجب شد تا تصویری منفی از اسلام پدید آید. بخشی از این خصوصت، ناشی از ادامهٔ اختلافات سیاسی و نظامی بود، اما بیشتر از نابرابری فرهنگی پیروی می‌کرد. بنابراین با توجه به اینکه اروپای مسیحی خود را در مقابل رقیب

مسلمان کوچک می‌پندشت، تلاش کرد تا با حقیر شمردن دشمن قوی خود و توهین به پیام آور آن، خود را بازیابد و از این طریق پیشرفت کند.

منابع و مأخذ

- ابن اثیر، عز الدین (۱۹۶۵)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر.
- ابن بابویه، محمدين علی (۱۳۷۸)، *عيون اخبار الرضا*، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران: جهان.
- ابن حجر عسقلانی، احمدبن علی (۱۴۱۵)، *الاصابه فی تمییز الصحابة*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الكتب العلمیه.
- ابن سعد (۱۴۱۰)، *الطبقات الکبیری*، تحقیق محمد عبدالقدیر عطاء، ج ۱، ۲، ۷، بیروت: دار الكتب العلمیة.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷)، *البداية والنهاية*، ج ۳، بیروت: دار الفکر.
- ابن هشام، عبدالملک [بی تا]، *السیرة النبویة*، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأیاری و عبدالحفیظ شلبی، ج ۱، ۲، بیروت: دار المعرفة.
- اسعدی، مرتضی (۱۳۸۱)، *مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان*، تهران: سمت.
- برزنونی، محمدعلی (۱۳۸۴)، «اسلام؛ اصالت جنگ یا اصالت صلح؟»، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، ش ۳۳، صص ۱۵۷-۱۷۳.
- پورطباطبایی، مجید (۱۳۹۵)، *خاتم عشق*، تهران: سروش.
- جوادعلی (۱۹۷۶)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*، ج ۵، بیروت: دار العلم للملائین.
- حلیبی شافعی، ابوالفرج (۱۹۷۱)، *السیرة الحلییة*، تصحیح عبدالله محمد خلیلی، ج ۱، بیروت: دار الكتب العلمیة.
- خلیج اسعدی، مرتضی (۱۳۷۵)، «یوحنای دمشقی و آغاز مجادله کلامی»، مقالات و بررسی‌ها، ش ۱۱۰، صص ۵۹-۶۴.
- رحیمزاده صفوی، علی اصغر (۱۳۳۴)، *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، تهران: دفتر آسیای وسطی.
- رزمجو، جمال، فاطمه جان‌احمدی و احمد رضا خضری (۱۳۹۲)، «تحول اصطلاح ساراسن و کاربست آن در میان اروپاییان تا پایان سده سیزده میلادی»، *مطالعات تاریخ اسلام*، س ۵، ش ۱۸، صص ۴۷-۶۷.
- سیروسی، راضیه (۱۳۹۸)، «نوع‌شناسی انتقادی اسلام‌شناسان غربی از پیامبر(ص) پس از قرن هفدهم در متون انگلیسی»، *پایان‌نامه مقطع دکتری*، دانشگاه الزهرا.
- سیروسی، راضیه و فاطمه جان‌احمدی، «مطالعه انتقادی دیدگاه ویلیام مویر در مورد وحی به پیامبر اسلام(ص)»، *فصلنامه اندیشه نوین دینی*، ش ۵۷، صص ۴۲-۳۲.
- صمیمی، مینو (۱۳۸۲)، محمد در اروپا، ترجمه عباس مهریویا، تهران: اطلاعات.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۳)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۲، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

- طبری، محمدبن جریر (١٩٦٧)، *تاریخ الأُمّم و الملوک*، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ٢، ٣، بیروت: دار صادر.
- طوسي، محمدحسن [بیتا]، *التیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح احمد حبیب عاملی، ج ٢، بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- القراطبی، محمدبن احمد (١٤٠٥)، *الجامع لأحكام القرآن*، ج ٣، بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- کلینی، محمدبن یعقوب (١٤٠٧)، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مسعودی، علی بن حسین (١٤٠٩)، *مرrog النذهب و معادن الجوهر*، تحقيق اسعد داغر، ج ١، قم: دار الھجرة.
- مینوی، مجتبی (١٣٧٥)، «اسلام از دریچه چشم مسیحیان»، محمد خاتم پیامبران، تهران: حسینیه ارشاد، صص ٢٦١-١٦٩.
- یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب بن واضح [بیتا]، *تاریخ یعقوبی*، ج ٢، بیروت: دار صادر.
- Alfonsi, petrus (2006), *Dialogue against the Jews*, Catholic University of America Press.
 - Aquinas, Thomas (1878), *Summae de veritate catholicae fidei contra gentiles*, ex Typographia polyglotta.
 - Bellovacensis, Vincentius (1473), *Speculum Historiale*, Adolph Rusch.
 - Bennett, Clinton (1992), *Victorian Images of Islam*, London: British Library Cataloguing.
 - Blank, David and Frassetto Michael (1999), *Western Views of Islam in Medieval and Early Modern Europe*, newyork: Palgrave Macmillan US.
 - Cerulli, Enrico (1949), "Libro della scala" e la question delle fonti arabo-spagnole Della Divina commedia, Biblioteca apostolica vaticana.
 - Cesari, J (2013), *Why the West Fears Islam*, Palgrave Macmillan US.
 - Chalmers, Alexander (1812), "The General Biographical Dictionary Containing an Historical and Critical Account of the Lives and Writings of the Most Eminent Persons", vol 1, london: J. Nichols.
 - Charanis, p (2002), "Theophanes", *New Catholic Encyclopedia*, vol 13, Washington: catholic university.
 - Corbett, j.a (2002), "Gerald of Wales", *New Catholic Encyclopedia*, vol 6, Washington: catholic university.
 - Daniel, Norman (2009), *Islam and the West: The Making of an Image*, United Kingdom: Oneworld.
 - De rada, Rodrigo Jiménez (1999), *Dialogus libri vite*, Turnhout: Brepols.
 - De Vitriaco, Jacques (2008), *Histoire orientale*, Turnhout: Brepols.
 - De Voragine, Jacobus (2012), *the Golden Legend*, Princeton: University Press.
 - De wendover, roger, coxe, Octavius (1842), *Chronica sive Flores historiarum*,

London: Sumptibus Societatis.

- Di Cesare, Michelina (2012), *The Pseudo-Historical Image of the Prophet Muhammad*, Berlin: Walter de Gruyter.
- Dillon, john (1383), "Godfrey of Viterbo", *Medieval Italy: An Encyclopedia*, Christopher Kleinhenz, Routledge, Mordad.
- Edwards, p (2002), "Peter the Venerable", *New Catholic Encyclopedia*, vol 11, Washington: catholic university.
- Eulogius (1955), *Memorale Sanctorum*, Catholic University of America.
- Farmer, h (2002), "william of malmesbury", *New Catholic Encyclopedia*, vol 14, Washington: catholic university.
- (2002), "Matthew Paris", *New Catholic Encyclopedia*, vol 9, Washington: catholic university.
- Fuller, Thomas (1811), *The History of the Worthies of England*, England: F.C. & J. Rivington.
- Gallucci, ralph (1096), *A Global Encyclopedia of Historical Writing*, Routledge: Khordad
- Giraldus (1861), *Giraldi Cambrensis opera*, London: Longmans.
- Gratius, Ortwinus (1690), *Appendix ad fasciculus rerum expetendarum et fugiendarum*, London: Chiswell.
- Hinnebusch, j.f. (2002), "william of tripol", *New Catholic Encyclopedia*, vol 14, Washington: catholic university.
- Kirsch (2002), "Anastasius Bibliothecarius", *New Catholic Encyclopedia*, vol 1, Washington: catholic university.
- Kohut, George Alexander (1901), "Petrus Alfonsi", Jewish Encyclopedia, vol 1, newyork: funk and Wagnalls Company.
- Kotter, b (2002), "John Damascene", *New Catholic Encyclopedia*, vol 11, Washington: catholic university.
- Lacroix, b (2002), "Hugh of Fleury", *New Catholic Encyclopedia*, vol 7, Washington: catholic university.
- Lomax, d.w. (2002), "Rodrigo Jiménez de Rada", *New Catholic Encyclopedia*, vol 14, Washington: catholic university.
- Lozier, c (2002), "Humbert of Roman", *New Catholic Encyclopedia*, vol 7, Washington: catholic university.
- Malmesbirensis (1998), *Gesta Regum Anglorum*, Clarendon Press.
- Malmesbury, William (2012), *De Gestis Regum Anglorum Libri Quinque*, Cambridge University Press.
- Martini, Raymundus (1990), *Capistrum Iudeorum*, Echter.
- Mcdonnell, e.w. (2002), "Jacobus de Vitriaco", *New Catholic Encyclopedia*, vol 7, Washington: catholic university.
- Mulhern, p.f. (2002), "Raymond Martini", *New Catholic Encyclopedia*, vol 11, Washington: catholic university.

- o'donnell, j.r. (2002), "William of Auvergne", *New Catholic Encyclopedia*, vol 14, Washington: catholic university.
- Ott, Michael (1913), "Blessed Jacopo de Voragine", *The Catholic Encyclopedia*, Vol 8, NewYork: Robert Appleton Company.
- Parisiensis, Matthaei (1872), *Chronica Majora*, London: Longman.
- Pertz, Georg Heinrich (1844), *Chronica et annales aevi Salici*, Impensis Bibliopolii Aulici Hahniani.
- Raby, F. J. E. (1934), *A History of Secular Latin Poetry in the Middle Ages*, Oxford: Clarendon Press.
- Robinson, j. (1978), *a new general biographical dictionary*, London.
- Sagax, Landulphus (1913), *Historia Romana*, Tipografia Del Senato.
- Sahas, Daniel (1972), *John of Damascus on Islam: The "Heresy of the Ishmaelites"*, Leiden: brill .
- Scholasticus, Oliverus (1948), *Historia Damiatina*, University of Pennsylvania Press.
- Southern, s. w (1962), *Western Views of Islam in the Middle Ages*, Cambridge: Harvard University.
- Stubbe, Henry (1911), *an Account of the Rise and Progress of Mahometanism With the Life of Mahomet, and a Vindication of Him and His Religion from the Calumnies of the Christians*, London, Luzac And Company.
- Theophanes, Anastasius (1885), *Theophanis chronographia*, Lipsiae: B.G. Teubnneri.
- (1982), *the Chronicle of Theophanes: Anni Mundi 6095-6305*, Translator: Harry Turtledove.
- Thetmarus, magister (1851), *Iter ad sanctam terram*, Huber.
- Thomas, David (2014), "Muhammad in medieval christian-muslim relations", *Muhammad in History, Thought, and Culture*, Coeli Fitzpatrick, Adam Hani Walker, California: ABC-CLIO.
- Thomson, Rodney (2003), *William of Malmesbury*, Britain: Boydell Press.
- Tolan, John (2013), *Medieval Christian Perceptions of Islam: A Book of Essays*, London: Routledge.
- Tudensis, Lucas (2003), *Chronicon mundi*, Turnhout: Brepols.
- Tyrensis, Wilhelmus (1976), *Historia rerum gestarum in partibus transmarinis*, Octagon Books.
- Wallace, W.a. (2002), "Thomas Aquinas", *New Catholic Encyclopedia*, v0l 14, Washington: catholic university.
- Wibaldi, accedunt and others (1854), *Petri Venerabilis abbatis Cluniacensis noni opera Omnia*, Migne.
- William of Tripoli (1992), *Notitia de Machometo: De statu Sarracenorum*,

Echte.

- Williams, s (2002), "Sigebert of Gembloux", *New Catholic Encyclopedia*, vol 13, Washington: catholic university.
- Wreglesworth (2002), "Paulus Albarus", *New Catholic Encyclopedia*, vol 11, Washington: catholic university.
- Zeir, mark (1995), "Vincent of Beauvais", *Routledge Revivals: Medieval France*, London: William W. Kibler, Grover A. Zinn.

